

پژوهش‌های سیاست خارجی
در ترازو: تحلیل مقالات علمی
درباره سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

* حمیرا مشیرزاده

** امیر عباسی خوشکار

*** فاطمه محروق

hmoshir@ut.ac.ir

* دانشیار دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

*** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۶

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۷-۷.

چکیده

یکی از شاخص‌های مهم در شناسایی وضعیت علمی و پژوهشی رشته روابط بین‌الملل و حوزه مطالعاتی مهم تابع آن یعنی سیاست خارجی در هر جامعه‌ای، شناخت ابعاد مختلف تولیدات علمی آن است. مقالات علمی، به عنوان مهم‌ترین دستاورد پژوهشی و مفهوم‌سازی-نظریه‌پردازی، از جایگاهی خاص برخوردارند. هدف این مقاله آن است که این وضعیت را در ایران بسنجد و به این سؤال بپردازد که تولیدات علمی در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحقیقات در سیاست خارجی در ایران)، از نظر روش‌شناختی و موضوعی واجد چه ویژگی‌هایی است. با توجه به جنبه توصیفی اولیه این پژوهش، فرضیه‌ای ارائه نمی‌شود و تلاش می‌شود تصویری کمی از مقالات فارسی نگاشته شده در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ ارائه شود. ۱۳۵ مقاله در دسترس از فصلنامه‌های علمی-پژوهشی معتبر مورد مطالعه قرار گرفته و یافته‌های پژوهشی به صورت نموداری، درصدی و آماری ارائه شده‌اند و تلاش شده در جهت تبیین هر ویژگی توضیحاتی انتقادی ارائه شود. غلبه رویکرد اثبات‌گرایانه، سلطه نسبی چهارچوب‌های نظری جریان اصلی و غلبه منطق فرضی-قیاسی و روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها، برخی از یافته‌های پژوهش است که به شکل مبسوط ارائه شده و تلاش شده تبیینی ابتدایی نیز از زمینه‌های آن ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: ایران، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، مقالات علمی،

روش‌شناسی، نظریه‌پردازی بومی

تنها یک پرسشگری کلی و چندبعدی، یک اندیشه پرسشگر با نگاه
به آینده می‌تواند آنچه را که هست و آنچه را که می‌شود درک کند.
کوستاس اکسلوس^۱

مقدمه

یکی از شاخص‌های مهم در شناسایی وضعیت علمی و پژوهشی رشته، شناخت ابعاد مختلف تولیدات علمی آن است. در این میان مقالات علمی، به عنوان مهم‌ترین دستاورد پژوهشی و مفهوم‌سازی-نظریه‌پردازی، از جایگاهی خاص برخوردارند. از جمله آرمان‌های هر پژوهش علمی جامعیت، کامل بودن، مشخص بودن و دقیق بودن یافته‌های پژوهشی است. نظریه‌ها و روش‌های مختلف که با بیان نقاط ضعف رقیب خود پا به عرصه علم می‌گذارند، در جهت نیل به آرمان کمال‌گرایی پژوهشی هستند. حوزه‌های مختلف پژوهشی در زیرشاخه‌های رشته علوم سیاسی و به طور خاص روابط بین‌الملل، از این تمایل هنجاری-حرفه‌ای برکنار نیستند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای بهبود وضعیت پژوهشی و نزدیک شدن به موقعیت آرمانی آن، شناخت وضعیت موجود آن است که به خودآگاهی درون رشته‌های علمی نیز شکل می‌دهد.

مطالعه سیاست خارجی یکی از حوزه‌های مهم در رشته روابط بین‌الملل است. نظریه‌های روابط بین‌الملل در عین اینکه کانون تمرکز خود را تبیین نظام بین‌الملل و عرصه سیاست بین‌الملل قرار داده‌اند، همیشه به سیاست خارجی نیز مستقیماً یا غیرمستقیم توجه داشته‌اند و براساس مفروضات پایه خود به تبیین و تحلیل سیاست خارجی پرداخته‌اند.^(۱) اما همراه با انقلاب رفتاری بود که حوزه تحلیل سیاست

1. Kostas Axelos

خارجی^۱ به عنوان حوزه‌ای از روابط بین‌الملل شکل‌گرفت و کم و بیش یک فضای خردگرا، کمی‌گرا و علم‌گرا بر آن حاکم شد.^(۲) در این حوزه، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی به عنوان فرایندی پیچیده و چندلایه تعریف می‌شود که هم شامل اهدافی است که دولت‌ها در روابط خود با دیگر دولت‌ها دنبال می‌کنند و هم شامل وسایل رسیدن به آنها است. سیاست خارجی زمینه پژوهشی مناسبی است که محققان و پژوهشگران می‌توانند ادعاهای نظری خود را در آن بیان کنند و به محک آزمون تجربی بگذارند. متون علمی تولیدشده در زمینه سیاست خارجی با توجه به هدف، منطق حاکم بر مطالعه، سطح تحلیل، نوع رویکرد پژوهشی و نظری و روش تحقیقی که از آن بهره می‌برند، تفاوت‌هایی با هم دارند و همین باعث غنا و در عین حال، یکدست نبودن این حوزه مطالعاتی می‌شود.

در ایران نیز توجه به سیاست خارجی و تحلیل آن مورد نظر علمای رشته روابط بین‌الملل بوده است. حجم چشمگیری از متون تولیدشده در مجلات معتبر روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در ایران به تبیین سیاست خارجی کشورها و به طور خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است. بحث بر سر شباهت‌ها و تفاوت‌های سیاست خارجی ایران با سیاست خارجی کشورهای دیگر در کنار نقش فزاینده کشور در مسائل بین‌المللی و تبدیل شدن سیاست خارجی آن به موضوعی مهم در سطح سیاسی داخلی، باعث شده محققان ایرانی که بیش از پژوهشگران غیرایرانی نسبت به این حوزه اشراف دارند و احساس مسئولیت می‌کنند، به آن بپردازند. هر ساله دانشوران ایرانی روابط بین‌الملل ده‌ها مقاله در این حوزه منتشر می‌کنند و به نظر می‌رسد این حوزه یکی از غنی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در روابط بین‌الملل در ایران است.

سئوالی که در اینجا اهمیت می‌یابد این است که تولیدات علمی در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نظر روش‌شناختی و موضوعی واجد چه ویژگی‌هایی است؟ در این مقاله در جهت پاسخ به این پرسش تلاش شده با بررسی ابعاد مختلف روش‌شناختی و نیز موضوعات مورد توجه در مقالات پژوهشی

1. Foreign Policy Analysis, FPA

تولیدشده در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ (یعنی دوره پنج ساله^(۳) پیش از آغاز این پژوهش)، به این پرسش پاسخ داده شود تا از این رهگذر بتوان ضمن دستیابی به تصویری کمی و کیفی از آثار فوق، به ارزیابی انتقادی از این مطالعات دست یافت.

روش پژوهش به کار گرفته شده در این تحقیق در وهله نخست کمی-توصیفی است و با استفاده از داده‌های کمی و آماری، تصویری از وضعیت مطالعه در زمینه نگارش مقالات سیاست خارجی ارائه شده است. مقالات گردآوری شده در این نوشتار شامل ۱۳۵ مقاله است که در مجلات علمی-پژوهشی مختلف به چاپ رسیده و در دسترس نگارندگان قرار داشته‌اند. در انتخاب مقالات از مجلات علمی-پژوهشی معتبرتر و متنوع‌تر که به صورت چاپ شده در کتابخانه‌های دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، کتابخانه ملی و به صورت پی‌دی‌اف^۱ در تارنماهای مگیران (www.magiran.com)، اس آی دی (www.sid.ir) و پرتال جامع علوم انسانی (www.ensani.ir) در دسترس بودند، استفاده شده است.

بخش اول این مقاله به مرور آثار اختصاص دارد. در بخش دوم چهارچوب تحلیلی مقاله با جزئیات آن ارائه می‌شود. بخش سوم شامل یافته‌های پژوهش است و نتیجه‌گیری مقاله نیز شامل جمع‌بندی و مروری بر یافته‌های پژوهش همراه با ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود مطالعات در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۱. مرور آثار

توجه به وضعیت علمی، آموزشی و پژوهشی رشته روابط بین‌الملل همیشه مورد توجه محققان این رشته بوده است. به عنوان نمونه، بررسی‌های متعددی درباره کتاب‌های درسی، برنامه‌های درسی^۲ و همچنین مجلات و مقالات منتشره با هدف شناخت وضعیت یا تحولات رشته روابط بین‌الملل به طور عام یا در حوزه‌های

1. PDF

2. Curriculum

خاص انجام شده است (بنگرید به Wæver 1998). هر ساله نیز می‌توان چندین مقاله چاپ شده در این زمینه را در مجلات معتبر بین‌المللی رشته یافت. همان‌گونه که اشاره شد، مرور مقالات انتشار یافته یکی از اشکال این قبیل پژوهش‌هاست. یکی از نظام‌یافته‌ترین این تلاش‌ها به ابتکار فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی^۱ در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت. در یک شماره این فصلنامه محققان به بررسی موقعیت رشته در ابعاد متفاوت پرداختند. البته در اغلب مقالات، فعالیت مجله و مقالات منتشر شده در آن در حوزه‌های مختلفی که سنتاً این مجله آثاری در زمینه آنها چاپ می‌کرد مورد بررسی قرار گرفته است.

اولی ویور (Wæver 1998) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی رشته‌ای نه چندان بین‌المللی: تحولات امریکایی و اروپایی در روابط بین‌الملل»، سلطه امریکا را بر رشته روابط بین‌الملل مورد واری قرار می‌دهد و به طور خاص به این سؤال می‌پردازد که چرا برخی از نظریه‌های امریکایی روابط بین‌الملل «سفر»^(۴) می‌کنند و برخی خیر؛ یعنی چرا در سایر کشورها برخی از نظریه‌های امریکایی مورد توجه قرار می‌گیرند و ولو با تغییراتی جذب می‌شوند و برخی نه. او بر این مبنای که «چه کسی چه چیزی را کجا منتشر می‌کند» به بررسی مسئله سلطه امریکا بر رشته می‌پردازد و به لحاظ محتوایی نیز الگوی فرانظری آثار را نشان می‌دهد. این جنبه از کار او شبیه به سایر آثاری است که با مرور آثار روابط بین‌الملل، وضعیت یا تحولات رشته را بررسی می‌کنند.^(۵)

مارتین و سیمونز (Martin and Simmons 1998) در بررسی مطالعات نظری و تجربی در زمینه نهادهای بین‌المللی به مرور مقالاتی می‌پردازند که در این حوزه در مجله سازمان‌های بین‌المللی چاپ شده‌اند. آنان براساس یک مرور تحلیلی، تحولات مطالعاتی را از نظر تجربی و نظری نشان می‌دهند و بر مبنای شناخت مشکلات موجود در این زمینه پژوهشی و نیز دستاوردهای آن، یک برنامه پژوهشی برای مطالعه نهادهای بین‌المللی پیشنهاد می‌کنند.

پیتر کاتزنستاین، رابرت کوهین و استیون کراسنر (Katzstein, Keohane, and)

1. International Organization



Krasner 1998) در بررسی وضعیت حوزه مطالعاتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به مروری بر مقالات منتشرشده در مجله معتبر *سازمان‌های بین‌المللی* که نقشی ویژه در رشد و تحولات اقتصاد سیاسی بین‌المللی داشته‌است، پرداخته‌اند. آنها تنوعات و تحولات اقتصاد سیاسی بین‌المللی را نشان می‌دهند.

در ایران نیز مدتی است که نوعی تمایل به خودآگاهی نسبت به وضعیت رشته علوم سیاسی در کل و مطالعات بین‌الملل به طور خاص رو به رشد است. به عنوان نمونه، حاجی‌یوسفی و طالبی (۱۳۹۰) برای احراز رابطه میان مسئله تحقیق و روش تحقیق به مطالعه ۳۴۵ پایان‌نامه در مقطع تحصیلات تکمیلی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهشی این دو محقق از این قرار بوده است که از میان ۳۲۵ پایان‌نامه ۱۶۱ مورد کاربرد و ۱۸۴ مورد نظری و تاریخی بوده است. در چهارچوب رویکرد پژوهشی ۱۶۶ مورد اثباتی، ۱۵۲ مورد تفسیری و ۲۴ مورد انتقادی ارزیابی شده است. در بعد روش‌شناختی نیز ۳۱۳ مورد فرضی-قیاسی و ۳۲ مورد استقرایی-اکتشافی بوده است. محمدعلی تقوی و مهسا ادیبی (۱۳۸۹) با رویکردی کمی‌گرایانه به جنبه انتقادی مقالات سیاسی پرداخته‌اند. تقوی و ادیبی در ثبت کمی یافته‌های خود ۵۹۶۸ مقاله را مورد بررسی قرار دادند که از آن تعداد، ۴۸۹ مورد آن یعنی ۸/۲ درصد انتقادی بوده است. ارائه روایتی کمی و آماری از ناچیز بودن بعد انتقادی مقالات سیاسی، دستاورد علمی این اثر پژوهشی بوده است.

در مقاله‌ای دیگر کاووس سیدامامی (۱۳۸۹) با بررسی ۷ نشریه تخصصی علوم سیاسی، نشان می‌دهد که ۸۲ درصد مقاله‌ها با استناد به منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده‌اند. در ۶/۴ درصد از مقاله‌ها در حد قابل توجهی از یافته‌های تجربی موجود استفاده شده است. ۶ درصد از مقاله‌ها برآمده از یافته‌های تجربی خود نویسندگان بوده است و در ۵/۶ درصد مقاله‌ها روش‌های غیرتجربی جایگزین مثل هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و غیره به کار رفته است. حمیرا مشیرزاده و حیدرعلی مسعودی (۱۳۹۰) با مطالعه‌ای درباره رساله‌های دکتری روابط بین‌الملل نشان می‌دهند که به لحاظ موضوعی، تمرکز بیشتر رساله‌های دکتری بر حقوق و سیاست بین‌الملل (بیش از ۷۰ درصد) بوده است و نویسندگان رساله‌های دکتری بیشتر علاقه داشته‌اند از الگوهای ترکیبی نظری و نیز واقع‌گرایی برای چهارچوب کار خود استفاده کنند.

پژوهش حاضر در تداوم همین سنت مطالعاتی قرار می‌گیرد؛ تمرکز بر مقالات مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و از مفاهیم تحلیلی کم و بیش متنوع‌تری استفاده شده است. پنج عامل اصلی رویکرد روش‌شناختی، هدف پژوهش، روش تحلیل، روش گردآوری اطلاعات و موضوعات مورد توجه زمینه ارزیابی کمی و کیفی از مقالات را تشکیل می‌دهند.

۲. چهارچوب تحلیلی

در این بخش مفاهیم اصلی تحلیلی این مقاله یعنی رویکرد روش‌شناختی (اثباتی، تفسیری و انتقادی)، هدف پژوهش (تبیین یا تفهم، پیش‌بینی و تجویز)، روش گردآوری اطلاعات (کتابخانه‌ای-پیمایشی و کتابخانه‌ای)، روش تحلیل (فرضی-قیاسی و استقرایی-اکتشافی) و موضوعات پژوهشی به اجمال بررسی می‌شوند.

رویکردهای روش‌شناختی: روش یا method در مطالعات علمی عبارت است از فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دست‌یابی به شناخت یا توصیف واقعیت و فرض می‌شود به واسطه روش می‌توان واقعیت‌ها را شناخت (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴). عدم اجماع در زمینه روش‌های مناسب برای پژوهش در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (بنگرید به حقیقت، ۱۳۹۱: ۸۶) به معنای تکرر رویکردهای روش‌شناختی‌ای است که دانش‌پژوهان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در آثار پژوهشی خود دنبال می‌کنند. اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و رویکرد انتقادی مهم‌ترین رویکردهای روش‌شناختی را در این حوزه (مانند سایر علوم اجتماعی) تشکیل می‌دهند.

اثبات‌گرایان در علوم اجتماعی به درجاتی طبیعت‌انگار^۱ هستند، یعنی جهان اجتماعی را نیز همچون دنیای فیزیکی واقعی و مستقل از ذهن انسان می‌دانند، آن را تحت حاکمیت قوانین قابل کشف قلمداد می‌کنند و مفاهیم علمی را نیز راجع به این واقعیت بیرونی می‌دانند. آنها برآنند که تبیین در علوم اجتماعی وجوه اشتراک زیادی با تبیین در علوم طبیعی دارد (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۷۳). البته چنین نیست که همه طبیعت‌انگاران هستی‌شناسی اجتماعی و طبیعی را یکسان بدانند و برخی هستند که

1. Naturalist

برآنند که به‌رغم تفاوت‌های هستی‌شناختی می‌توان رویکردهای معرفت‌شناختی یکسانی داشت. اما بسیاری هم بر این باورند که موضوعات هستی‌شناختی را نمی‌توان از مسایل معرفت‌شناختی جدا کرد. بنابراین چون دنیای اجتماعی به گونه‌ای قانون‌مند و مستقل از ذهن انسان موجودیت بیرونی دارد (یعنی شباهتی هستی‌شناختی به جهان طبیعی)، وظیفه اصلی علوم اجتماعی نیز کشف آن واقعیت بدون هر نوع دخل و تصرفی است. اثبات‌گرایان معتقدند که علم بر پایه قواعد منطقی و شواهدی که خارج از اختیار پژوهشگر است و بلندپروازی‌های نظری او را محدود می‌کند پدید می‌آید و دانشمندان باید ادعاهای خود را در پرتو شواهدی که مستقل از ذهن و درک آنان وجود دارد محک بزنند (سید امامی، ۱۳۸۷: ۲۴، ۳۱).

خصایص اصلی روش علمی در این رویکرد عبارتند از: آزمون‌پذیری تجربی، انسجام منطقی و پذیرش ضوابط و فرایندهای جمعی و بین‌ذهنی نقد و ارزیابی و گاه نیز فراتر از آن، استفاده از مدل‌ها و روش‌های کمی، تجربه کنترل‌شده، اتکا بر سازوکارهای زیرین و بنیادین و... (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۷۵-۳۷۶). از آنجا که در این رویکرد، تجربه‌گرایی و عینیت اهمیت دارد، فرض بر آن است که به یاری تبدیل مفاهیم به متغیرها می‌توانیم احکامی را که فقط مفاهیم انتزاعی را دربر می‌گیرند، به احکامی با مصداق‌های تجربی دقیق بدل کنیم تا دقت تجربی آن احکام قابل ارزیابی شود (مانهایم و ریچ، ۱۳۸۹: ۴۶). محققانی که در این رویکرد پژوهشی فعالیت می‌کنند، در پی آن هستند که به قوانین، نظم‌های تجربی و مصداق‌های عینی برای تأیید ادعاهای خود دست یابند. آنچه اهمیت دارد تبیین و بیان چرایی یا چگونگی رویدادها و پدیده‌هاست که البته درباره معنای آن اتفاق نظری وجود ندارد. برخی خصوصاً در میان اثبات‌گرایان متقدم به دنبال یافتن رابطه میان پدیده‌ها به عنوان تبیین آن بودند؛ برخی دیگر تبیین را به معنای یافتن سازوکارهای علی می‌بینند؛ برخی تبیین را قراردادن موضوع خاص ذیل یک قانون عام تلقی می‌کنند و برخی نیز تبیین را به معنای بیان چرایی وجود رابطه میان پدیده‌ها می‌دانند (بنگرید به عنوان نمونه به: لیتل، ۱۳۷۳ و Waltz, 1979).

روش‌شناسی تفسیری معمولاً مورد توجه ضدطبیعت‌انگاران است که بر تمایز مادی و روش‌شناختی میان علوم طبیعی و اجتماعی تأکید دارند (لیتل، ۱۳۷۳: ۳۹۰).

رویکرد تفسیری در مطالعه علوم اجتماعی مبنا را بر آن می‌گذارد که رفتار انسان‌ها را باید به گونه‌ای متفاوت از سایر موضوعات مورد علاقه علم درک کرد؛ زیرا آنان در هر کنشی قصد و نیتی دارند، دستخوش احساسات و عواطف می‌شوند، با طرح و نقشه عمل می‌کنند و آن را در صورت لزوم تغییر می‌دهند و بر پایه تفسیری که از هنجارها و ارزش‌های جامعه دارند عمل می‌کنند (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۴۳). پژوهشگر تفسیری قبل از هر چیز مدعی فهم^۱ است؛ فهمی که از راه همدلی با موضوع شناسایی یا افراد مورد بررسی به دست آمده باشد (به نقل از لیتل، ۱۳۷۳: ۳۹۱). مفهوم کلیدی فهم در تقابل با تبیین تجربیدی اثبات‌گرایان قرار می‌گیرد که سعی دارند علل بروز واقعه یا رفتاری را توضیح دهند و نوعی نظم و قانونمندی در عالم سیاست و رفتار سیاسی بیابند.

تفسیر به دنبال درک معناست و محقق در تفسیر به جای علت‌یابی به معناکاوی می‌پردازد تا به فهم پدیده دست یابد. رویکرد تفسیری با روش‌های کیفی ملازمت دارد که رسالت خود را در فهم معانی، مفاهیم، تعاریف، تمثیل‌ها، نمادها و خلاصه آنچه دنیای اجتماعی را می‌سازد، می‌بینند. پژوهشگر کیفی می‌کوشد تا آنچه را در جهان معنادار انسانی رخ می‌دهد، به خواننده منتقل کند (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۴۶؛ منوچهری و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۶). در تفسیرگرایی رادیکال اساساً رویکرد به موضوع جنبه شالوده‌شکنانه یا یافتن روابط قدرت از درون گفتمان‌ها را پیدا می‌کند و رسیدن به معنای موردنظر خود کنشگران مدنظر نیست که در این بعد بخشی از رویکرد انتقادی را تشکیل می‌دهد.

رویکرد انتقادی به مطالعات اجتماعی از نظر اهمیتی که برای منافع سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری و تحول علوم اجتماعی قائل است و تأکیدی که بر ایدئولوژیک و جهت‌دار بودن علوم و نفی بی‌طرفی ارزشی آنها دارد، با دو رویکرد دیگر متفاوت است. از دید طرفداران رویکرد انتقادی اصولاً علم را باید عملی اجتماعی به شمار آورد و آن را مانند هر عمل اجتماعی دیگر در چهارچوب نظامی از روابط اجتماعی که در آن انواع منافع متعارض وجود دارند ارزیابی کرد (سید

1. Verstehen

امامی، ۱۳۸۷: ۸۲).

رویکرد انتقادی را می‌توان در فلسفه انتقادی دهه ۱۹۶۰ مکتب فرانکفورت و نیز پساتجددگرایی و پساساختارگرایی دنبال کرد. نقد جامعه سرمایه‌داری، نقد عینی‌گرایی در فلسفه علوم اجتماعی و/یا شالوده‌شکنی از ساختارها از جمله مؤلفه‌های کلان رویکرد انتقادی نسبت به فلسفه تجربه‌گرایی و جریان اصلی^۱ در روابط بین‌الملل است. در رویکرد انتقادی علائق نظری انتقادی و رهایی‌بخش با هدف بهبود موجودیت انسانی مدنظر است و در نتیجه به تناقضات اجتماعی با هدف ایجاد تغییر توجه می‌شود (Bernstein, 1976: 180-181). شالوده‌شکنی در امتناع از پذیرش ایده ساختار به عنوان موجودیتی مفروض یا عینی نشانه اصلی پساساختارگرایی است (بتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۸۴). در شالوده‌شکنی تفکر خودبنیاد و استعلایی، تقابل‌های دوقطبی و تمایزات دوگانه در اندیشه غربی مورد نقد قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، مقولات ضروری و پیشینی موجود در تاریخ فلسفه غرب منظومه‌ای از گزینش‌های صرفاً دل‌بخواانه و اختیاری قلمداد می‌شوند (ضمیران، ۱۳۸۲: ۲۷۲).

در بررسی مقالات حاضر در این پژوهش ضمن رعایت دسته‌بندی سه‌گانه فوق، مقالاتی را که در آنها نگاه و رویکرد غالب اثباتی، تفسیری و انتقادی بوده است، در دسته‌های جداگانه قرار داده‌ایم تا ضمن طبقه‌بندی آثار مذکور به مطالعه بهتر آنها پردازیم.

۳. هدف پژوهش

از نظر هدف پژوهش باید گفت که برخی از پژوهش‌ها جنبه تبیینی یا تفسیری دارند (که در این حالت معمولاً اما نه همیشه متکی بر یک چهارچوب نظری هستند)، برخی دیگر کاربردی‌اند و همراه با تجویزهایی هستند و گروهی نیز جنبه پیش‌بینی و آینده‌پژوهانه دارند. در عین حال، از آنجا که اینها لزوماً غیرقابل جمع نیستند، ممکن است دو یا سه جنبه را با هم داشته باشند.

بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها با هدف **تبیین یا تفهم** انجام می‌شوند. در وهله

نخست باید دید آیا نگاه نظری در تحقیق هدایت‌کننده آن برای تبیین یا تفهم هست یا نه، و اگر هست چه رویکرد نظری بنیان کار را تشکیل می‌دهد. اگر نویسنده مقاله اطلاعات خود را تنها براساس چهارچوب تحلیل نوشته‌نشده و صرفاً ذهنی خود تحلیل کند، از عنوان «فاقد نظریه» استفاده می‌شود. اما پژوهش می‌تواند جنبه نظری داشته باشد به این معنا که یک چهارچوب نظری یا مفهومی را مبنای تبیین، تفهم یا تفسیر قرار دهد؛ با این هدف که آن نظریه محک بخورد، گسترش یابد، یا حداقل، امکان بنای تحلیل بر آن سنجیده شود. در صورت داشتن نظریه اعم از تبیینی یا تفسیری، نظریه‌هایی که در زمینه سیاست خارجی به کار می‌روند عبارتند از: (۱) زیرمجموعه نظریه‌های روابط بین‌الملل که برای تبیین سیاست خارجی استفاده شده‌اند، شامل شش نظریه/رویکرد واقع‌گرایی، سازه‌انگاری، رویکرد گفتمانی، ساختارشکنی-انتقادی، جامعه‌شناسی تاریخی و لیبرالیسم؛ (۲) زیرمجموعه نظریه‌ها و رویکردهای تحلیل سیاست خارجی شامل رویکردهای ادراکی-روان‌شناختی، سیاست خارجی مقایسه‌ای (عمدتاً در چهارچوب پیش‌نظریه جیمز روزنا)، رویکرد تصمیم‌گیری و نظریه‌های ترکیبی تحلیل سیاست خارجی مانند نظریه پلی‌هیوریستیک؛ و (۳) نظریه‌های ابداعی که نوعاً ساخته نویسنده یا نویسندگان می‌باشند و از ترکیب و بهم پیوستن نظریه‌های دیگر حاصل شده‌اند. از این چهارچوب‌های نظری عمده‌تر در حد توصیف ساده و پراکنده پدیده‌های سیاست خارجی استفاده می‌شود. هریک از نظریه‌های فوق با توجه به تکرار آنها در مقاله‌ها با سنجه‌های کمی و آماری مشخص شده‌اند و ترکیب قرارگرفتن آنها در نمودار بیانگر میزان تکرار آنها در مقالات بوده است.

هدف از پژوهش‌های تجویزی-کاربردی، ارائه راه‌حل و پیشنهاد برای برون‌رفت از مشکلات و بحران‌هاست که در قالب دو گزینه «دارد» و «ندارد» دسته‌بندی می‌شود. تحقیق تجویزی به پژوهشی اطلاق می‌شود که محقق با مشخص کردن یک مسئله و راه‌حل‌های پیشنهادی و سیاسی که در حال حاضر اجرا می‌شود، به ارائه راه‌حل و تجویز سیاسی پردازد، در غیر این صورت تحقیق غیرتجویزی محسوب می‌شود (حاجی‌یوسفی و طالبی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). گاه به تبع نوع فصلنامه که دغدغه‌های عملی‌تر در سیاست خارجی را دنبال می‌کند و یا تمایل خود نویسنده

هدف تجویزی به هدف اصلی یا در کنار هدف تبیینی یا پیش‌بینی به عنوان هدف فرعی مدنظر قرار می‌گیرد، تجویز و ارائه راه‌حل و پیشنهاد عمدتاً با توجه به وضعیت محیطی، توانایی‌ها، مقدورات و محذورات و به منظور برون‌رفت از چالش‌های پیش‌رو مطرح می‌شود.

پیش‌بینی همیشه از اهداف مهم علم بوده است. هرچند در علوم اجتماعی به دلیل پیچیدگی‌های موجود کمتر به آن تمایل نشان داده می‌شود، اما در سال‌های اخیر و به تبع گسترش فنون ریاضیاتی و آماری و نیز وجود نرم‌افزارها و امکانات رایانه‌ای راه برای اینگونه تحقیقات خصوصاً به شکل آینده‌پژوهی^۱ گشوده شده است. آینده‌پژوهی یعنی پیش‌بینی آینده از طریق بررسی روندهای^۲ موجود و گذشته و ارائه سناریو، طرح‌ها و تصاویر محتمل و یا مطلوب که از وقوع اتفاقات و پدیده‌های انسانی در آینده نزدیک خبر می‌دهند. در عین حال، در برخی موارد نیز محققان تمایل دارند براساس استنباطات خود و به شیوه‌هایی که بیشتر مبتنی بر بصیرت شخصی هستند، پیش‌بینی‌هایی ارائه کنند. دو گزینه «دارد» و «ندارد» بیانگر توجه یا عدم توجه نویسندگان مقالات نسبت به ارائه تصویری روشن از آینده نزدیک با توجه به مطالب نگاشته شده در مقاله‌ها است.

۴. روش گردآوری داده‌ها

داده‌ها بنیان مهم هر نوع پژوهشی هستند. داده به معنای اطلاعات و واقعیت‌های شناخته‌شده‌ای است که مبنای استنباط قرار می‌گیرد و ابزاری است که از طریق آن رویدادها و شرایط جهان پیرامون خود را می‌توانیم بفهمیم (Walliman, 2006: 50). البته در مورد داده‌ها میان اثبات‌گرایان و تفسیرگرایان اختلاف نظر است. اثبات‌گرایان طبیعت‌انگار برآنند که همچون علوم طبیعی باید به دنبال داده‌های خام و تجربی به دور از قضاوت و تفسیر بود، اما تفسیرگرایان ضدطبیعت‌انگار چنین امری را ناممکن می‌دانند (Hughes, 1990: 36). زمانی بود که برخی تجربه‌گرایان علم را در انباشتن داده‌های تجربی و همبستگی میان آنها خلاصه می‌کردند اما دیگر چنین

-
1. Future Studies
 2. Trends

نیست (Bernstein, 1976: 10). با وجود این، بی‌تردید بخشی مهم از پژوهش علمی را تولید و یا گردآوری داده‌ها تشکیل می‌دهند.

داده‌ها را می‌توان از راه‌های گوناگون و با اتکا به شماری از روش‌های متداول در علوم اجتماعی به دست آورد و بعد به شکل کمی یا کیفی از آنها استفاده کرد. داده‌های کمی به شکل آمار یا مقیاس‌هایی که مفاهیم یا متغیرهای مورد بررسی را اندازه‌گیری می‌کنند هستند و داده‌های کیفی آنهایی هستند که به شکل سنجش‌پذیر کمی درنیامده‌اند یا اصولاً نمی‌توانند سنجش‌پذیری کمی داشته باشند.

دو دسته داده اصلی وجود دارد: **داده‌های اولیه^۱** و **داده‌های ثانویه^۲**. داده‌های اولیه عبارتند از: مشاهده (با ثبت و ضبط مستقیم رویدادها و موقعیت‌ها)، مشارکت (با تجربه شخصی)، تفحص (با پرسشنامه، مصاحبه‌های ساختاریافته، نیمه‌ساختاریافته یا ساختاریافته) و اندازه‌گیری (با شمارش). گردآوری داده‌های اولیه معمولاً مبتنی بر روش‌های پیمایشی و تا حدی نیز کتابخانه‌ای است. داده‌های ثانویه توسط دیگران تفسیر و ثبت شده‌اند. کتاب‌ها، مقالات مجلات علمی، مجلات عمومی، روزنامه‌ها و اینترنت داده‌های ثانویه را تأمین می‌کنند و در نتیجه این نوع داده‌ها معمولاً به شکل کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند (Walliman, 2006: 51-52) و بنگرید به: سیدامامی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). در اینجا نیز بر همین اساس، روش گردآوری داده‌ها به دو دسته تقسیم شده است: روش گردآوری **کتابخانه‌ای-پیمایشی** و روش گردآوری **کتابخانه‌ای**.

۵. روش‌های تحلیلی

از نظر روش تحلیل معمولاً از دو نوع روش تحلیلی اصلی سخن می‌رود: فرضی-قیاسی (یا فرضی-استنتاجی) و استقرایی-اکتشافی که البته هر دو می‌توانند در تحقیقات مختلف به اشکال متفاوتی به کار روند و کارایی داشته باشند. منطق استدلالی قیاسی را گاه روش فرضی-قیاسی^۳ نیز می‌گویند. در حالی که

1. Primary Data
2. Secondary Data
3. Hypothetico-Deductive

استقراگرایان به جست‌وجوی شواهدی برای تأیید تعمیم‌های خود که گاهی به آن توجیه‌گرایی^۱ گفته می‌شود، می‌پردازند. قیاس‌گرایان سعی می‌کنند فرضیه‌های خود را رد یا ابطال کنند و در صورتی که فرضیه رد نشود می‌توان آن را تأیید شده قلمداد کرد. قیاس با یک سؤال یا مسئله‌ای که باید درک یا تبیین شود، آغاز می‌شود. به جای آغاز فرایند تحقیق با مشاهده، اولین مرحله ارائه یک پاسخ احتمالی یا حدس به سؤال یا تبیین فرضی مسئله مذکور است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۳۳). نقطه عزیمت تحلیل قیاسی، استخراج قضایا یا قضیه‌های مشاهده‌پذیر از واقعیت‌های از پیش موجود یا فرض‌های نظری اولیه است (تاجیک، ۱۳۹۰: ۸۴). ارائه صریح مفروضات، اصول و فرضیات در ابتدای مقاله می‌تواند جهت‌گیری کار پژوهش را با روش فرضیه‌ای-قیاسی به پیش ببرد و در نهایت با ابطال و یا تأیید فرضیه، یافته‌های پژوهشی ارائه شود.

نقطه عزیمت رهیافت‌های استقرایی، ارزیابی خنثی و بی‌طرفانه داده‌ها و شواهد تجربی است. در واقع، این رویکرد از مبانی اولیه اثبات‌گرایی منطقی محسوب می‌شود. بنیان علم از این منظر انباشت واقعیات و داده‌ها درباره جهان خارج برای نیل به تعمیم‌هایی است که قوانین علمی نامیده می‌شوند (Hughes, 1990: 36). رهیافت‌های استقرایی با تجربه آغاز می‌کنند. تجربیاتی که می‌کوشند از طریق تعمیم و استنتاج استقرایی، قضیه‌های نظری کلی‌تر یا حتی عام و جهان‌شمول بسازند. در چهارچوب این شیوه نظریه از تجربه، مشاهده و تعمیم استنتاج می‌شود و اندکی بالاتر از قوانین تعمیم‌پذیر و سازگار با دسته‌ای از مشاهدات تجربی موجود قرار می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۹۰: ۸۴). اگر از داده‌هایی که جمع‌آوری می‌شود نظریه استخراج شود، با نظریه‌های داده‌بنیاد^۲ سروکار داریم. در اینجا نظریه از درون داده‌ها سر بر می‌آورد. در این رویکرد، داده‌ها معمولاً با روش‌های کیفی گردآوری می‌شوند که می‌تواند شامل مشاهده، تحلیل اسناد تاریخی، مصاحبه‌های ساختاریافته و ساختاریافته و گروه‌های کانونی^۳ باشد (Jaccard and Jacoby, 2010: 277).

-
1. Justificationism
 2. Grounded Theory
 3. Focus Groups

۶. موضوعات پژوهشی

موضوعات مورد توجه در حوزه سیاست خارجی را می‌توان به اشکال متفاوتی تقسیم‌بندی کرد. در اینجا ده موضوع پژوهشی مدنظر قرار گرفته‌اند. موضوع «**سیاست خارجی**» به مقالاتی اشاره دارد که به مطالعه و بررسی ساختارهای برنامه‌ریزی، ایدئولوژی، آرمان‌ها، اهداف، نهادها، قانون اساسی، تصمیم‌سازی، فرایندهای ادراکی و پندارهای تهدیدساز در سیاست خارجی می‌پردازند. تعاملات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با اعضای دائمی شورای امنیت (بدون تمرکز بر پرونده هسته‌ای) به عنوان روابط با «قدرت‌های بزرگ» در کنار رابطه با کشورهای «خاورمیانه»، «شرق آسیا»، «آسیای مرکزی و قفقاز»، «آفریقا» و «امریکای لاتین» شش بعد **منطقه‌ای** سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد. سه محور «**دیپلماسی عمومی و قدرت نرم**»، «**اقتصاد و انرژی**» و «**پرونده هسته‌ای**» نیز سه بعد محتوایی سیاست خارجی را تشکیل می‌دهند.

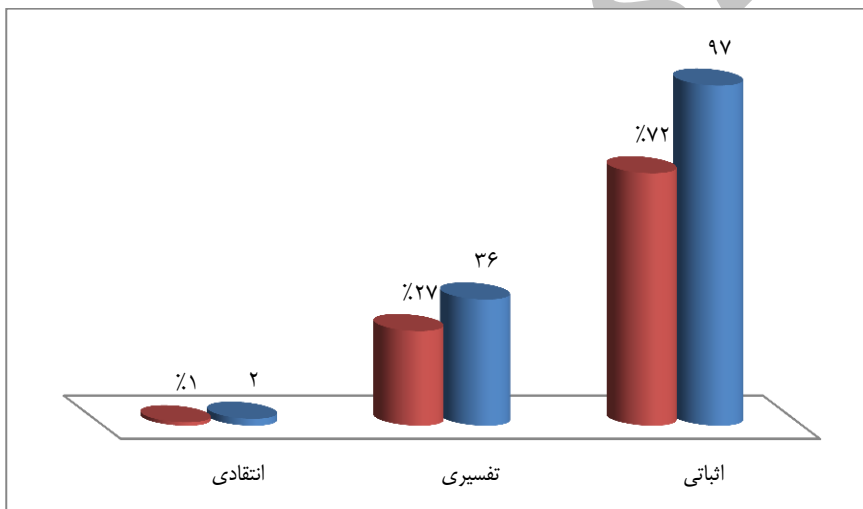
۷. یافته‌های پژوهش

در این بخش نتیجه مطالعه محورهای فوق‌الذکر در ۱۳۵ مقاله علمی-پژوهشی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود.

رویکرد روش‌شناختی: از نظر رویکرد روش‌شناختی، یافته‌ها نشان می‌دهند که ۹۲ مقاله از ۱۳۵ مقاله یعنی ۷۲ درصد کل مقالات با توجه به ارائه فرضیه، تعیین متغیرها، شاخص‌سازی، اجتناب از داوری ارزشی یا مانند اینها با استفاده از رویکرد «اثبات‌گرایانه» نوشته شده‌اند. در ردیف بعدی ۳۶ مقاله تفسیری وجود دارند که ۲۷ درصد از مجموع مقالات را به خود اختصاص می‌دهند. مقالات انتقادی با دو مورد، سهم ناچیزی را در پژوهش‌های سیاست خارجی از آن خود ساخته است. این در حالی است که اهمیت و میزان توجه به رویکردهای معناگرایانه، تفسیری و انتقادی در آثار علمی سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در مجلات معتبر علمی در جهان در سال‌های اخیر افزایش یافته است. انقلاب اسلامی ایران که هویت‌طلبی متمایز خود را در سیاست خارجی خود در عرصه نظام بین‌الملل با رویکردی انتقادی به نمایش گذاشته است، در مقالات سیاست خارجی بعضاً نظامی «ایدئولوژیک»

ارزیابی می‌شود که می‌توان دلیل اصلی این نوع برداشت از سیاست خارجی را در تسلط روح اثبات‌گرایی و فقدان رویکرد انتقادی در بررسی کنش‌های عمدتاً انتقادی سیاست خارجی دانست. البته ممکن است صورتبندی اثبات‌گرایانه مقالات را تا حدی نیز ناشی از تأکید مجلات علمی بر ارائه فرضیه دانست که لاجرم کم و بیش کار را اثبات‌گرایانه نشان می‌دهد؛ هرچند که پژوهشی با اتکا به روش‌های اثبات‌گرا پایه آن نباشد. اینکه در مطالعات تک‌موردی - که معمولاً باب‌طبع اثبات‌گرایان که به دنبال تعمیم هستند نیست - برخی مشخصات اثبات‌گرایانه دیده شود، می‌تواند ناشی از همین امر باشد.

نمودار ۱. تعداد و درصد رویکردهای روش‌شناختی در مطالعه سیاست خارجی



آنچه در حوزه مطالعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی دیده می‌شود، در کل رشته علوم سیاسی نیز وجود دارد، یعنی رویکردهای انتقادی کمتر مورد توجه هستند. به نظر معینی علمداری، ورود این رویکردها «مانع از انسجام در مبانی نظریه‌پردازی در علوم سیاسی می‌شود... [و] بسیاری از پژوهشگران ایرانی نتوانسته‌اند هیچ ارتباطی بین تحقیقات خود و پسا ساختارگرایی برقرار کنند» (معینی علمداری، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

در مطالعه سیاست خارجی ایران به نظر می‌رسد توجه به ترکیب رویکردهای روش‌شناختی هم کمتر مدنظر قرار می‌گیرد. حال آنکه امروزه در آثار پژوهشی که در

سطوح بالای اعتبار علمی منتشر می‌شود، سعی در این است که از رویکردهای التقاطی برای رفع خلاءهای پژوهشی هریک از رویکردهای منفرد استفاده شود (Neuman, 2000: 2). تحقیق مبتنی بر روش‌های ترکیبی، تحقیقی است که محقق در آن در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، ترکیب یافته و نتیجه‌گیری در مورد یک موضوع خاص، از رویکردهای مختلف در یک مطالعه یا طرح تحقیقاتی واحد استفاده می‌کند. بسیاری از طرفداران تکثرگرایی در تلاش برای پرکردن شکاف بین روش‌های کمی و کیفی از طریق به کارگیری روش‌های ترکیبی هستند (بنگرید به: گبینزو برویمر، ۱۳۸۱: ۲۲۶؛ Klotz، Tashakkori, 2006: 4; Teddlie and Charmaz, 2007: 5; and Prakash, 2008: 2).

رویکرد نظری: همان‌گونه که گفته شد، پژوهش‌هایی که با هدف تبیین یا تفسیر انجام می‌شوند، می‌توانند مبتنی بر نظریه باشند یا نباشند. به نظر برخی، نظریه یکی از مهم‌ترین عناصر سازنده یک پژوهش موفق است که با توجه به رویکرد نظری نویسنده مقاله و/یا موضوع مقاله انتخاب می‌شود. تمرکز مفهومی، پیوند میان مفاهیم و پدیده‌ها یا رابطه‌یابی و در کل، نظم دادن به داده‌های پژوهشی از جمله کارویژه‌های مثبت و مفید نظریه‌ها هستند و در صورتی که به خوبی از آنها استفاده شود و به درستی اجزای معرفتی و مفهومی آنها در مسیر پژوهش به کار گرفته شوند، می‌توانند به پژوهش خوب کمک کنند.

از مجموع مقالات مورد بررسی، مقالات فاقد نظریه ۲۷ مورد یا معادل ۲۰ درصد کل مقالات را تشکیل می‌دهند. مقالات فاقد نظریه که تعداد زیادی را به خود اختصاص داده‌اند و در جایگاه دوم قرار دارند، در این مقالات داده‌های به دست آمده به صورت تاریخی، پشت سرهم و بدون نظم نظری مشخص و گاه به مانند متون روزنامه‌نگارانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته فقدان نظریه مبنایی فی‌نفسه از ارزش پژوهشی کار نمی‌کاهد اما انتظار می‌رود این‌گونه آثار حداقل مبتنی بر مطالعه تجربی دقیقی باشند و بتوانند مبنایی برای تولید نظریه‌های داده‌بنیاد باشند. اما متأسفانه چنین رویکردی در مقالات مشاهده نشد. اکثر این مقالات بیشتر از این که جنبه پژوهشی داشته باشند، جنبه تحلیلی دارند.

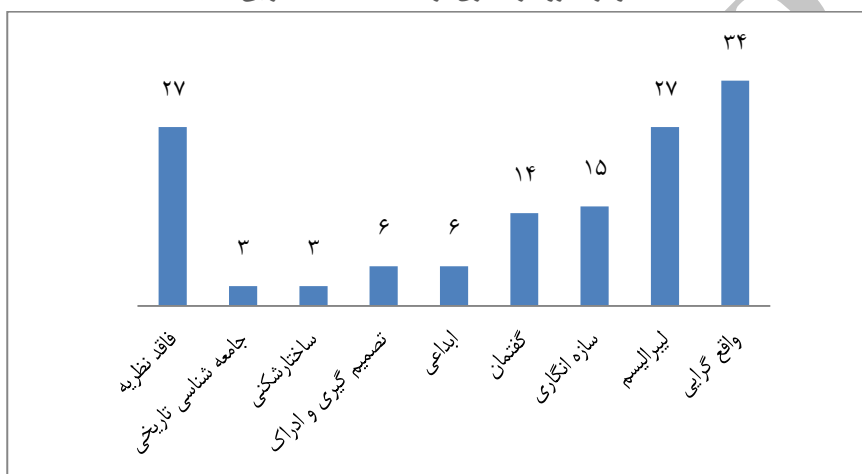
در بررسی نظریه‌های به کاررفته در مقالات، واقع‌گرایی با ۳۴ مورد و ۲۵

درصد از حجم کل مقالات در جایگاه اول قرار دارد. به نظر می‌رسد گاه تکیه بر نظریه واقع‌گرا در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منجر به نوعی تعارض میان کنش‌های هویت‌خواهانه و انقلابی در سیاست خارجی و ابعاد بعضاً هنجاری واقع‌گرایی می‌شود که در مواردی باعث شده کنش‌های سیاست خارجی را «غیرواقع بینانه» و «ایدئولوژیک» ارزیابی کنند. لیبرالیسم، سازه‌انگاری، تحلیل گفتمان، رویکرد انتقادی و جامعه‌شناسی تاریخی از جمله نظریه‌های مهمی هستند که به ترتیب در جایگاه‌های سوم (پس از مقالات فاقد نظریه) تا هفتم قرار دارند. به نظر می‌رسد توجه لیبرالیسم به قدرت نرم و منطقه‌گرایی که در سیاست خارجی ایران نیز جایگاهی خاص دارند، باعث کاربرد بیشتر آن شده است. با توجه به این‌که در سازه‌انگاری و تحلیل گفتمان به ابعاد معنایی و هویتی توجه ویژه‌ای می‌شود، استفاده از آنها در تحلیل سیاست خارجی به تدریج افزایش یافته اما به دلیل فقدان روش‌شناسی مناسب در کاربست این نظریه‌ها، دستاورد تجربی گسترده‌ای همراه نداشته است. از رویکردهای انتقادی و جامعه‌شناسی تاریخی نیز کمتر استقبال شده است. نکته جالب توجه حداقل استفاده از رویکردهای خاص تحلیل سیاست خارجی (مانند تصمیم‌گیری و ادراکی) است که علی‌القاعده با تمایلات اثبات‌گرایانه هم‌خوانی دارند اما از آنها چندان استقبال نشده است.

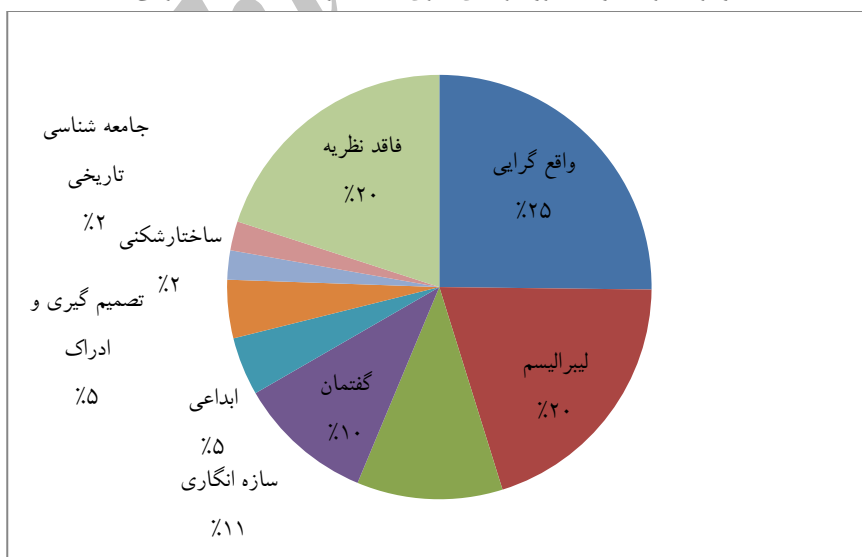
در این مورد که با کدام نظریه می‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بهتر فهمید، طبعاً اجماعی مشخص میان محققان سیاست خارجی وجود ندارد. نظرات مختلف درباره نظریه یا نظریه‌های مناسب می‌تواند بسته به مناسبتی را برای تعاملات و تبادلات فکری و نظری در میان اساتید علوم سیاسی فراهم سازد. در این فضای پرچالش نظری، بحث نظریه‌پردازی بومی برای سیاست خارجی مطرح شده است که برای رسیدن به این میوه پرثمر باید راهی طولانی پیمود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای که دارای ابعاد اجتماعی، پویا و خاص‌گرایانه است و در آن سهم مهمی از برون‌دادها و برنامه‌های سیاست خارجی را کنشگران فردی و تصمیمات انقلابی به خود اختصاص می‌دهند، شاید نیازمند عبور از نظریه‌های کلان و حرکت به سمت نظریه‌های میانه و خرد است. اما متأسفانه، همان‌گونه که اشاره شد، از رویکردهای تحلیل سیاست خارجی که به ویژه به سطح

تحلیل خرد توجه دارند، در مقالات مورد بررسی بسیار کم استفاده شده بود. نقطه ضعف دیگر در بحث نظریه‌های سیاست خارجی، ورود گسترده دانشجویان تحصیلات تکمیلی به حوزه نگارش مقالات سیاست خارجی است که به دلیل ضعف نظری و تجربی برخی از آنها، نظریه‌ها عمدتاً به درستی کاربردی نمی‌شوند و به جمع‌بندی سطحی و توصیفی نازل از رفتار سیاست خارجی بسنده می‌شود.

نمودار ۲. رویکرد نظری در مقالات سیاست خارجی

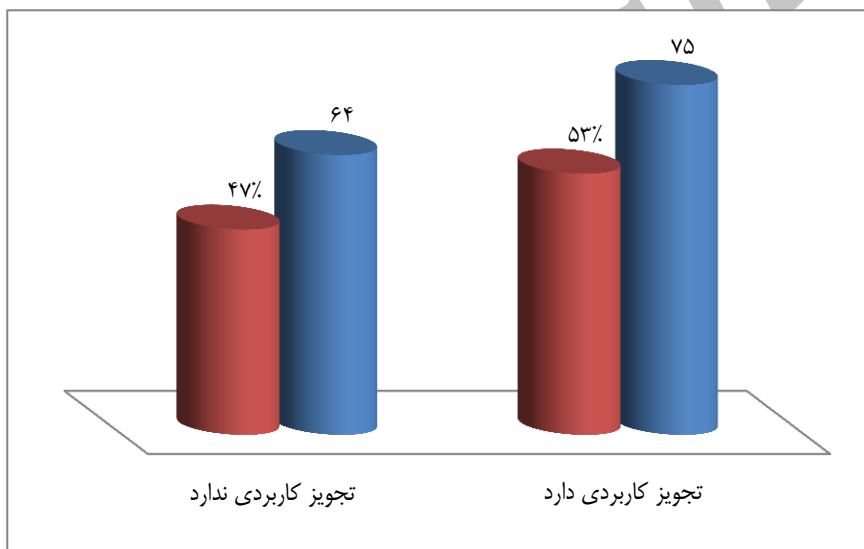


نمودار ۳. درصد توجه به رویکردهای نظری مختلف در مطالعه سیاست خارجی



۷۱ مقاله از ۱۳۵ مقاله بررسی شده عمدتاً در انتهای پژوهش خود به ارائه راه‌حل و تجویز سیاسی مبادرت نموده‌اند که ۵۳ درصد از کل مقالات را شامل می‌شوند. تجویزهای مطالعه‌شده از چند نظر دچار ضعف بودند. اول اینکه راه‌حل‌ها و تجویزها عمدتاً از درون بحث به دست نیامده‌اند. دوم آنکه راه‌حل‌ها غالباً کلی، تکراری و گاه صرفاً برای «رفع تکلیف» از نگارش بخش تجویز، نوشته شده و فاقد ارزش کاربردی و عملیاتی هستند و در نتیجه، نمی‌توانند تجویز کاربردی دقیقی برای سیاست خارجی باشند.

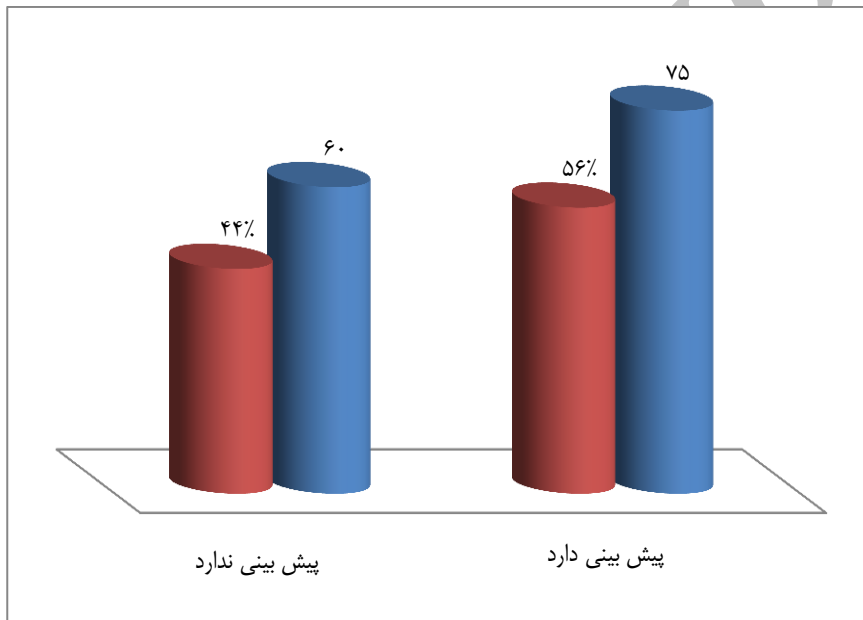
نمودار ۴. ارائه تجویز کاربردی در سیاست خارجی



از نظر پیش‌بینی نیز درصد مقالاتی که به ارائه تصویری از آینده و تحولات پیش‌رو پرداخته‌اند، نسبت به مقالاتی که به این امر پرداخته‌اند، تقریباً برابر است. ۷۵ مقاله از ۱۳۵ مقاله دارای بحث آینده‌نگری در قالب تقریبی یک پاراگراف بودند. ۶۰ مورد معادل ۴۴ درصد مقالاتی که فاقد بحث آینده‌نگری بودند، عمدتاً دارای تجویز سیاسی نیز نبودند. لذا با مقایسه دو بعد آینده‌نگری و تجویز کاربردی می‌توان به پیوند این دو در مقالات پی‌برد. ضعف اساسی در تصاویر ارائه‌شده برای آینده تحولات در مبهم، چندپهلوی و بعضاً سادگی و ابتدایی بودن سناریوها و تصاویر مربوط به آینده بدون اتکا به روش‌های متناسب با آینده‌پژوهی است. آینده‌پژوهی و

سناریونویسی عمدتاً به دو دسته آینده‌های محتمل و مطلوب تقسیم می‌شود. عدم تمایز میان این دو تصویر و عدم استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی در نگارش بخش آینده‌نگری مقالات و همچنین تمرکز بیش از حد بر بعد سناریوهای محتمل مطلوب و آینده‌های مطلوب و عدم توجه به سناریوهای محتمل و آینده‌های محتمل، از دیگر موارد ضعف پیش‌بینی‌های موجود در مقالات سیاست خارجی است.

نمودار ۵. پیش‌بینی در سیاست خارجی

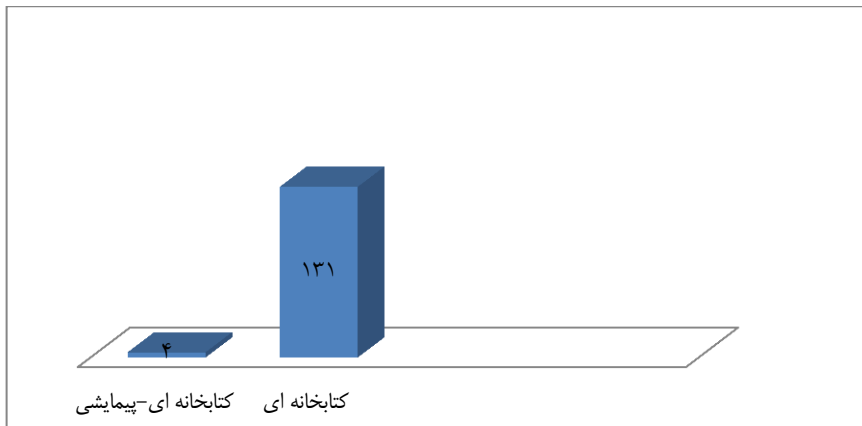


۸. روش گردآوری داده‌ها

سلطه یکجانبه روش کتابخانه‌ای گردآوری داده‌ها در مقایسه با روش کتابخانه‌ای-پیمایشی، آسیب دیگری است که پژوهش‌های سیاست خارجی را به بازگویی مکرر منابع و اطلاعات موجود در کتاب‌ها و مقالات منتشرشده مبتلا نموده است. ۱۳۱ مقاله از ۱۳۵ مورد بررسی تنها از داده‌های ثانویه استفاده کرده‌اند و از مشاهدات میدانی، مصاحبه، تهیه آمار کمی و میدانی حتی به صورت جزئی بهره‌ای نبرده‌اند. این امر بار دیگر جنبه صوری‌تر اثبات‌گرایی ظاهری مقالات را نشان

می‌دهد. داده‌های مؤید در بسیاری از موارد جنبه تحلیلی و نه تجربی دارند.

نمودار ۷. روش گردآوری داده‌ها در سیاست خارجی

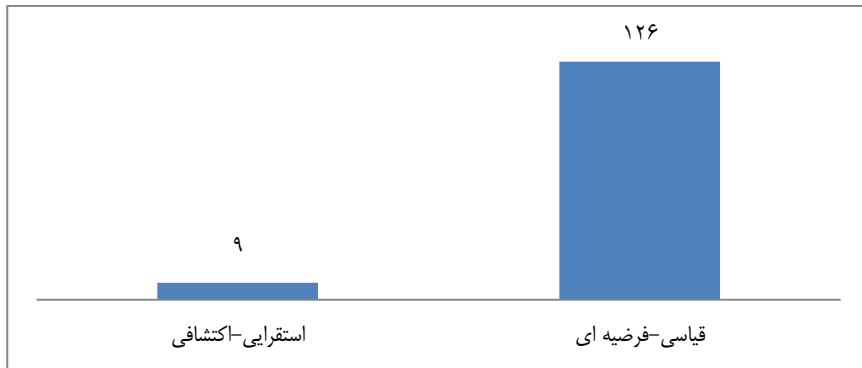


۹. روش تحلیل

عدم تقارن بین نسبت دو نوع روش تحلیل یا استدلال روش فرضی-قیاسی و استقرایی-اکتشافی در نمودار ذیل نشان می‌دهد که منطق تبیین پژوهشگران سیاست خارجی در روش فرضی-قیاسی محصور شده است. ۱۲۶ مقاله از ۱۳۵ مقاله منطق بحث خود را در چهارچوب روش فرضی-قیاسی تعریف کرده‌اند. نویسندگان عمدتاً مقاله را با اصول کلان و پذیرفته‌شده اعلامی و فرضیه‌هایی آغاز می‌کنند که در نهایت همگی آنها تأیید می‌شوند و نشانی از ابطال در واریسی آنها وجود ندارد. تعداد ۹ مقاله متکی بر تحلیل استقرایی-اکتشافی، سهم اندک پژوهش‌های استقرایی را نشان می‌دهد. یکی از دلایل شکل‌گیری شکاف کمی میان این دو نوع تحلیل، غلبه سنت پژوهشی پوپری فرضیه‌محور است، اما جالب آن است که به‌رغم انتظار ابطال در حداقل بخشی از مطالعات، در عمل تحقیقات عمدتاً با تأیید صددرصدی فرضیه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها برای تأیید فرضیه‌ها همراه است که حاکی از نوعی رویه توجیهی و جانبدارانه است و البته این خود سبب‌ساز ایجاد دورهای تکراری پژوهشی (فرایند استدلال) و بازگویی ادعاهایی که در مقالات دیگر وجود دارند می‌شود. حال آن که پژوهش زمانی آغاز می‌شود که رفتارها و پدیده‌های انسانی برای پژوهشگران مبهم و نادانسته باشند. به آزمون گذاشتن

بدیهیات یا مفروضات ذهنی به منزله تکرار نتایج قبلی است و به کشف ایده‌ها و بسط مرزهای علوم سیاسی منتهی نمی‌شود و در حالتی بدبینانه می‌تواند به تبلیغ نوع خاصی از ارزیابی و تبیین نظری منجر شود.

نمودار ۶. نسبت به کارگیری روش‌های تحلیلی



۱۰. موضوعات پژوهشی

مبانی سیاست خارجی ۵۱ مقاله از ۱۳۵ مقاله را به خود اختصاص داده است. بررسی ساختار تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، آرمان‌ها و اهداف سیاست خارجی موضوع تقریباً یک سوم مقالات سیاست خارجی در این دوره است. اهمیت مطالعه سیاست خارجی جدای از تعاملات محیطی آن که با رقم ۳۸ درصد مشخص شده است، اهمیت نظری و پژوهشی ساختارهای سیاست خارجی را نزد محققان نشان می‌دهد که می‌تواند نقطه مثبتی در پژوهش‌هایی از این دست باشد.

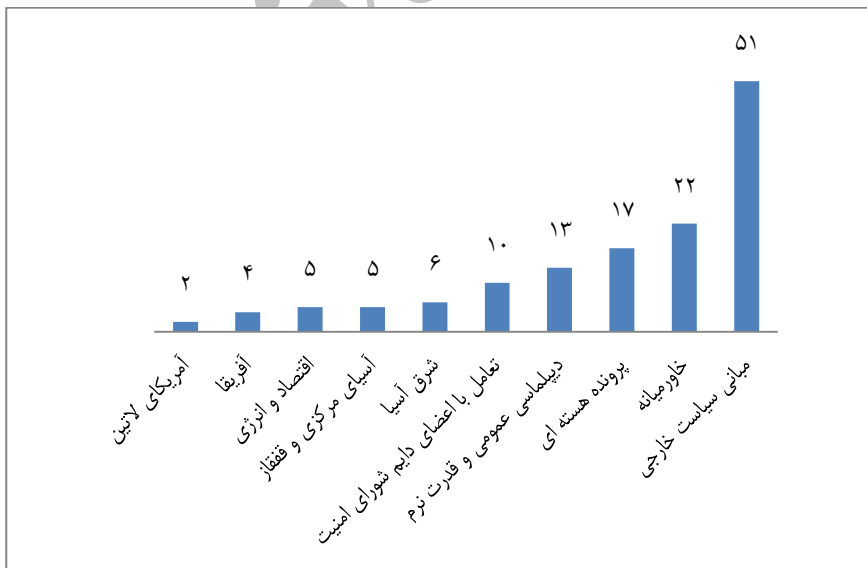
خاورمیانه، پرونده هسته‌ای، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در رده‌های دوم تا چهارم قرار گرفته‌اند. قرار گرفتن خاورمیانه و پرونده هسته‌ای در اولویت‌های دوم و سوم با توجه به قرار گرفتن ایران در منطقه پر از بحران خاورمیانه و برجسته‌تر شدن مسئله پرونده هسته‌ای در سیاست خارجی و تبعات سیاسی و اقتصادی مترتب بر آن، طبیعی است. توجه فقط ده مقاله به روابط ایران با قدرت‌های بزرگ (اعضای دائمی شورای امنیت)، فارغ از پرونده هسته‌ای و نیز تمرکز صرفاً پنج مقاله بر اقتصاد و انرژی با توجه به اهمیت مسایل نفتی و انرژی برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند کاستی مهمی در پژوهش‌های سیاست خارجی باشد. پیشی گرفتن

مقالات قدرت نرم و دیپلماسی عمومی از مسایل اقتصادی و انرژی حاکی از اهمیت بعد نرم‌افزاری سیاست خارجی برای پژوهشگران این حوزه است.

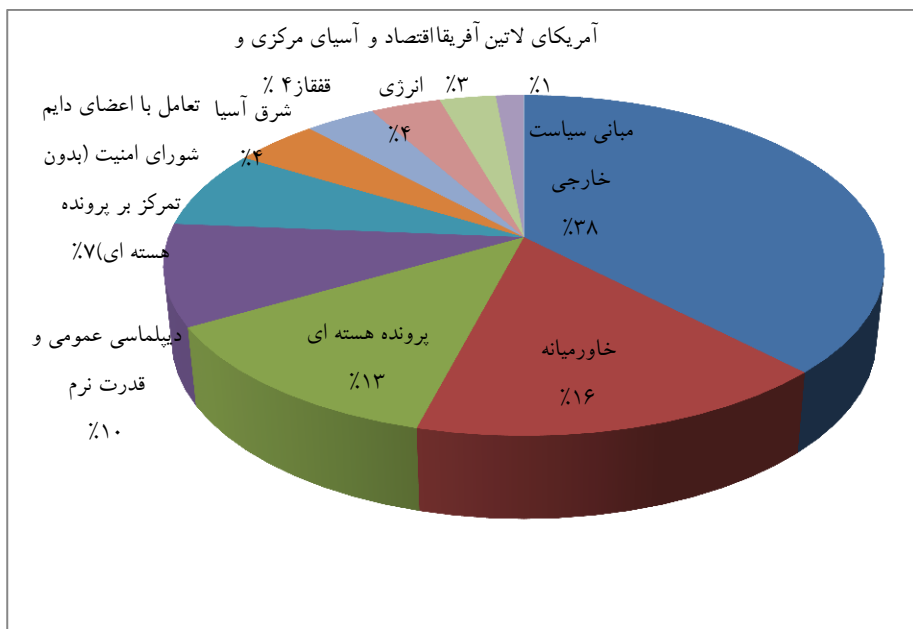
مطالعه محدود در زمینه امریکای لاتین و افریقا به کم اهمیت بودن این دو منطقه در اولویت‌های مناطق پژوهشی بازمی‌گردد؛ اما محدودیت نسبی توجه به آسیای مرکزی و قفقاز نیز با توجه به اهمیت این منطقه کاستی این حوزه را نشان می‌دهد. در کل ۵۵ مقاله از مجموع ۱۳۵ مقاله به تعامل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مناطق مختلف جغرافیایی پرداخته‌اند که در نمودار ۱۳ می‌توان چگونگی توزیع آنها را ملاحظه کرد.

جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی، محیط زیست و حقوق بشر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حوزه‌های موضوعی مهمی هستند که در مطالعه سیاست خارجی به آنها کمتر پرداخته شده است؛ که با توجه به تبعات و آثار مهمی که موضوعات مذکور بر توسعه انسانی و ساختارهای داخلی دارند، می‌توانند موضوعات مهمی در چهارچوب مطالعات سیاست خارجی تلقی شوند و بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

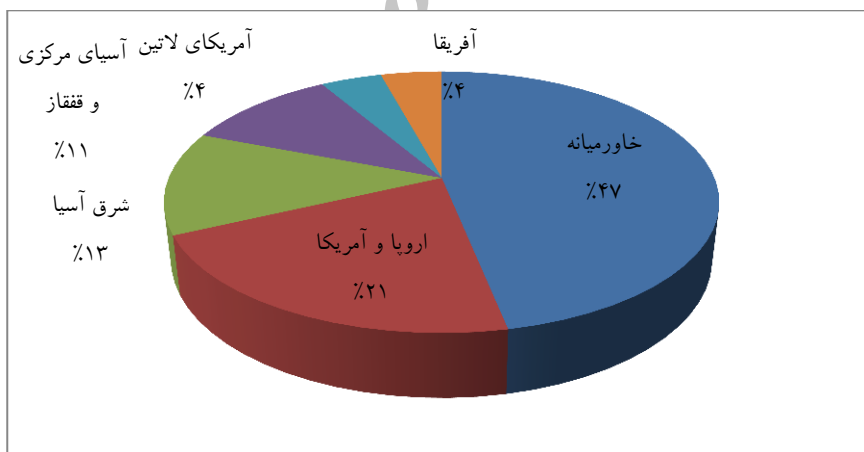
نمودار ۸. توزیع موضوعات پژوهشی در سیاست خارجی



نمودار ۹. درصد موضوعات پژوهشی در سیاست خارجی



نمودار ۱۰. توزیع موضوعات پژوهشی به تفکیک مناطق جغرافیایی در سیاست خارجی



نتیجه گیری

غلبه برخی از خصوصیات رویکرد اثبات گرا، روش تحلیلی فرضی-قیاسی و روش گردآوری کتابخانه‌ای اطلاعات از نتایج اصلی این پژوهش در مورد مقالات علمی در زمینه سیاست خارجی ایران است. به علاوه نشان داده شد که مقالات اعم از

نظریه بنیاد یا غیرنظری به تبیین و تفسیر سیاست خارجی توجه دارند اما از روش‌های مناسب در بسیاری از مقالات استفاده نمی‌شود. به‌رغم توجه ظاهری مقالات به بحث‌های تجویز و پیش‌بینی، در کثیری از آثار این دو هدف به شکل نظام‌مند مدنظر نبوده‌اند. تجویزهای سیاسی عمدتاً تکراری و فاقد جنبه کاربردی هستند و آینده‌نگری و سناریونویسی بدون اتکا بر مبانی روش‌شناختی متناظر نیز غالباً به صورت چندسطر کلی‌گویی و مبهم‌گویی تقریباً نیمی از مقالات را به خود اختصاص داده‌اند. به‌رغم اینکه رویکرد نظری واقع‌گرایی و پس از آن لیبرالیسم وجه غالب را تشکیل می‌دهند، توجه به سازه‌انگاری و گفتمان تمایل فکری محققان را به چهارچوب‌های نظری تفسیری نیز نشان می‌دهد.

در بخش حوزه‌های موضوعی، زمینه‌های سیاست خارجی با ۳۸ درصد کل مقالات در جایگاه اول اولویت‌های موضوعی قرار دارد. خاورمیانه و پرونده هسته‌ای با ۱۶ و ۱۳ درصد در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارند که با توجه به بحران‌ها و مسایلی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و پرونده هسته‌ای با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، این نسبت طبیعی است.

نکته دیگر شایان توجه آن است که یکی از راه‌های بدیل برای فهم و مطالعه بهتر سیاست خارجی ایران با توجه به زمان‌مند و مکان‌مند بودن رویکردها، نظریه‌ها و روش‌های مطالعه سیاست خارجی، تولید نظریه بومی سیاست خارجی با توجه به مختصات ژئوپلیتیک، فرهنگی، باورها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در قالب یک بازیگر خاص و با در نظر گرفتن منطق نظام بین‌الملل، به عنوان یک بازیگر عام است. تلاش‌های محدودی تاکنون در این زمینه صورت گرفته است (اصلی‌ترین اثر در این زمینه، مقاله دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰ است). این امر می‌تواند با پیگیری انباشتی و ممتد نظرات و آرای اساتید و محققان سیاست خارجی و تلاش برای مفهوم‌سازی‌های نوین به وقوع بپیوندد. گسست نظری و ارتباط اندک میان اساتید حوزه مطالعاتی سیاست خارجی با یکدیگر، تفکر ترجمه‌ای، عدم اعتماد به نفس و خطرپذیری در نظریه‌پردازی در حوزه سیاست خارجی و عدم تسلط کافی به منابع تاریخی، فلسفی و روش‌شناختی، احتمالاً از جمله موانعی است که سبب‌ساز فقر مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در سیاست خارجی ایران شده است.

یادداشت‌ها

۱. به عنوان نمونه، در مورد واقع‌گرایی، بنگرید به: مورگنتا ۱۳۷۴؛ Elman 1996؛ در مورد لیبرالیسم، Moravcsik 1997؛ سازه‌انگاری 2012 Flockhart؛ Kubalkova 2001؛ و ساساختارگرایی Hansen 2012؛ Doty 1993.
۲. هادسن و وور (Hudson and Vore 1995) سه رویکرد مهم در تحلیل سیاست خارجی را رویکردهای ادراکی (بنگرید به Young and Schafer 1998)؛ سیاست خارجی مقایسه‌ای (Rosenau 1966)؛ و تصمیم‌گیری (Snyder, Bruck and Sapin 1962) می‌دانند.
۳. با توجه به اینکه انتظار می‌رود پنج سال زمان کافی برای نشان دادن تنوعات موجود باشد، این دوره زمانی انتخاب شده است.
۴. این اصطلاح از ادوارد سعید نویسنده معروف پسااستعماری است. او بر آن است که نظریه‌ها با دور شدن از مبداء یا محل شکل‌گیری اولیه‌شان تغییر می‌کنند. اما اصل این مسئله که در جوامعی غیر از محل تولد مورد استفاده قرار می‌گیرند اهمیت دارد.
۵. کار او در اصل فراگیرتر از این و نوعی جامعه‌شناسی رشته است که ابعاد متعدد و متفاوت دیگر را شامل می‌شود.

منابع

الف - فارسی

- بتون، تد و کرایب، بیان. ۱۳۸۴. فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، تهران: آگه.
- تاجیک، محمدرضا. ۱۳۹۰. پسا سیاست: نظریه و روش، تهران: نشر نی.
- تقوی، محمدعلی و مهسا، ادیب. ۱۳۸۹. ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره دوم، سال پنجم.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و طالبی، معصومه. ۱۳۹۰. مسئله و روش پژوهش در پایان نامه های علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۶.
- حقیقت، صادق. ۱۳۹۱. روش شناسی علوم سیاسی، چاپ سوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۰. نظریه اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۹.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵. روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیدامامی، کاووس. ۱۳۸۷. پارادوکس های آموزش روش شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل گرایانه، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره اول.
- سیدامامی، کاووس. ۱۳۸۹. جای خالی پژوهش های تجربی در علوم سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره دوم، سال پنجم.
- ضمیران، محمد. ۱۳۸۲. نیچه پس از هایدگر، دریدا و دلوز، تهران: هرمس.
- گینزو برویمر و جان آر. ۱۳۸۱. سیاست پست مدرن، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- لیتل، دانیل. ۱۳۷۳. تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مانهایم، یارول و ریچ، ریچارد. ۱۳۸۹. روش های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی، ترجمه لی لا سازگار، چاپ پنجم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمدپور، احمد. ۱۳۸۹. *روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مشیرزاده، حمیرا و حیدرعلی مسعودی. ۱۳۹۰. *نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکتری، پژوهشنامه سیاسی*، شماره ۱۸.

معینی علمداری، جهانگیر. ۱۳۸۰. *چیستی گفتمان پسا‌ساختارگرا در سیاست*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱.

منوچهری، عباس، تاجیک، محمدرضا، کوثری، مسعود، حسینی بهشتی، علیرضا، حقیقت، صادق و نجاتی حسینی، محمود. ۱۳۸۷. *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.

ب- انگلیسی

- Bernstein, R. 1976. **The Restructuring of Social and Political Theory**. New York and London: Harcourt Brace Jovanovich.
- Charmaz, K. 2007. *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. London: Sage.
- Doty, Roxanne Lynn. 1993. 'Foreign Policy as a Social Construction: A Post-Positivist Analysis of U.S. Counterinsurgency Policy in the Philippines', **International Studies Quarterly**, 37, 3: 297-320.
- Elman, Colin. 1996. "Horses for Courses: Why not Neorealist Theories of Foreign Policy?" **Security Studies**, 6, 1:7-53 .
- Flockhart, Trine. 2012. "Constructivism and Foreign Policy." In S. Smith, A. Hadfield, and T. Dunne, eds., **Foreign Policy, Theories, Actors, Cases**. Oxford: Oxford University Press.
- Hansen, Lene. 2012. *Discourse Analysis, Post-Structuralism, and Foreign Policy*. In S. Smith, A. Hadfield, and T. Dunne, eds., **Foreign Policy Theories, Actors, Cases**. Oxford: Oxford University Press.
- Hudson, V. and C. Vore. 1995. "Foreign Policy Analysis Yesterday, Today and Tomorrow," **Mershon International Studies Review**. 39: 209-38.
- Hughes, J. 1990. **The Philosophy of Social Research**. London and New York: Longman.
- Jaccard, J. and Jaoby, J. 2010. **Theory Construction and Model-Building Skills**. New York and London: Guilford Press.
- Klotz, A and D, Prakash, eds. 2008. **Qualitative Methods in International Relations: A Pluralist Guide**. Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Keohane, R., P. Katzenstein and S. Krasner. 1998 "International Organization and the Study of World Politics," **International Organization**, 52, 4:

645-685.

Kubáľková, V. ed. 2001 **Foreign Policy in a Constructed World**. New York and London: M.E. Sharpe.

Moravcsik, Andrew. 1997. "Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory of International Politics," **International Organization**, 51, 4: 513-553.

Neuman, W. L. 2000. **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**. 4th edition. Boston: Allyn and Bacon.

Rosenau, James. 1966. "**Pre-Theories and Theories of Foreign Policy**." In R. B. Farrell, ed., *Approaches to Comparative and International Politics*. Evanston: Northwestern University Press.

Simmons, B. and Martin. 1998. "Theories and Empirical Studies of International Institutions," **International Organization**, 52, 4: 729-757.

Snyder, R. C., H. W. Bruck and B. Sapin. 2002. [1962] **Foreign Policy Decision-Making**. Revisited by V. Hudson, D. Chollet and J. Golgeier. New York: Palgrave Macmillan.

Teddlie, C. and A. Tashakkori. 2006 "A General Typology of Research Designs Featuring Mixed Methods", **Research in the Schools**, Vol. 13, No. 1.

Wæver, Ole. 1998. "The Sociology of a Not So International Discipline: American and European Developments in International Relations," **International Organization**, 52, 4: 687-727.

Walliman, N. 2006. **Social Research Methods**. London: Thousand Oaks, New Delhi: Sage.

Waltz, K. 1979. **Theory of International Politics**. New York: Random House.

Young, M. and M. Schafer. 1998. Is There Method in Our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations. **Mershon International Studies Review**.